

گزارش فستیوال سالیانه همو سکشوال ها و ترانس سکشوال های بلژیک

از چند هفته قبل تمام خیابان های اصلی شهر بروکسل با تبلیغات، پرچم ها و بیلبردهای این فستیوال پر شده بود. در اکثر این تبلیغات، هم چنین در وبسایت و بیلبرد شهرداری و ایستگاه ها اینگونه تعریف کرده بودند: فستیوال گی ها!!! در قسمت ناپیدایی هم به برابری همه انسان ها و با هر تمایل جنسی اشاره کرده بودند. به ندرت تبلیغاتی برای لژیون ها دیده می شد و برای ترانس سکشوال ها نیز تقریباً نایاب بود. فقط در تبلیغات امسال توجه ویژه ای به این مورد شده بود که لژیون ها و ترانس سکشوال ها با مشاهده هر تبعیض یا آزاری با کدام مراکز یا شماره ها می توانند تماس بگیرند. به خصوص تأکید روی تین ایجر ها بود که با خانواده هایشان مشکل دارند که خود این مورد بیان گر ابعاد خشونت بر علیه هم جنس گرایان و ترانس جندر ها است.

چیزی که مثل همیشه و بیش از هر چیزی چشمگیر بود، حجم بالای تبلیغ سکسیسم و از معنی و محتوی تهی کردن این روز بود. ۹۰٪ تبلیغات و روزنامه ها برای یک روز آزادی بود! که از فلان ساعت تا بساعت کجاها سکس گروهی ترتیب داده شده، کجاها امکان برهنه شدن و عرضه خود به مردم در خیابان است، کجاها و در چه زمانی می توان آنچه در سکس تصور نمی شود را تجربه کرد و ... !!!

برنامه و حرکت کارناوال با سخنرانی بسیار کوتاهی آغاز شد و یکی از برگزار کنندگان که از سوسیالیست های قدیمی بلژیک بود اینگونه برنامه را افتتاح کرد: "امروز در حالی در خیابان ها هستیم و جشن می گیریم که در بسیاری از نقاط دنیا از جمله خاورمیانه و افریقا و ... انسان های زیادی به خاطر تمایل جنسی شان اعدام می شوند، شکنجه و زندانی می شوند. برای رهایی همه انسان ها از تبعیض و به یاد قربانیان خشونت جنسی، ۱ دقیقه سکوت می کنیم." و چه سکوتی بر بیش از ۴۵۰۰۰ نفر حاکم شد. سکوت با صدای سوت و کف زدن مردم شکسته شد و زمان بندی برنامه اعلام شد و حرکت کارناوال در مسیر تعیین شده با انواع رنگ ها، موزیک ها، ماسک ها، لباس ها و ... آغاز گشت.

انسان های برهنه و نیمه برهنه زیادی از مقابل مان می گذشتند. گاهی با شادی آن ها شریک می شدیم، شکلات در هوا پخش می شد، مجله های مختلف توزیع می شد، تراکت ها در هوا می رقصیدند، بوسه های زیبا رد و بدل می شدند، گاه گاهی زنان و دختران با حجاب به سرعت از میان جمعیت عبور می کردند، دیدن تعداد بسیار زیاد کودکان در فستیوال بسیار جالب و زیبا بود، برخی از گروه ها برنامه هنری شان را توسط کودکان اجرا می کردند که در نوع خود دیدنی بود، حضور گسترده پیرمرد و پیرزن ها هم برای مان جالب بود، گویا رها از تمام تابوهای دوران جوانی شان به این جشن آمده بودند و چشمان ریزشان جستجوگر بود، دیسکوتیک های بزرگ کاروان های بزرگی داشتند، مدل های مو و لباس جالبی دیده می شد، پالماسکه ها هم وسط کارناوال بودند. صورت های رنگی، بدن های برهنه و لباس های عجیب و بوسه ها در فضایی آکنده از دود، آفتاب و موزیک کنار هم قرار گرفته بودند.

در اطراف کارناوال هم بساط نوشیدنی و غذا بود و چادرهایی با تبلیغات سیاسی - اجتماعی، ... که مربوط به این روز بودند. از امنستی تا چند حزب چپ گرفته، تا فروشگاه های معروف لباس همه بودند. در برخی چادرها هم کاندوم رایگان یا مواد شیمیایی ویژه ای توزیع می شد. در برخی دیگر هم آموزش های بهداشتی و ... داده می شد. اما جالب اینجا بود که در هیچ چادری برای افزایش لذت جنسی زنان چیزی نبود!!! حداقل ما ندیدیم و البته ما چند نفر بودیم و در این برنامه هدفمند شرکت کرده بودیم اما خب ندیدیم. برای مان زیاد هم دور از انتظار نبود. نه برای لژیون ها و نه برای ترانس سکشوال ها چیزی ندیدیم که خود به نوعی بیانگر تفکر و سیاست پشت پرده این کارناوال بود.

بعد از رد شدن کاروان ها، تا صبح فردا در بارها و محله های ویژه ی کافه ها و بارها جشن و پایکوبی بود. از چند خیابان که گذشتیم صحنه های مختلفی دیدیم. مردانی که نیمه برهنه در میان جمعیت می رقصیدند و سکسیسم عریان را تبلیغ می کردند. اگر در جایی خود را عرضه نمی کردند، تماشای نداشتند! کوچه های اطراف مملو از آدم بود. زنان و مردانی که هم دیگر را می بوسیدند. برخی ها به هر سمتی که می چرخیدند بوسه ای می دادند. فضای بهم ریخته اما عجیب و شلوغی بود. در تمام صحنه ها حضور پلیس هم مشهود بود.

کارناوالی که نماد مبارزه سخت هم جنس گرایان در دهه های گذشته است، کارناوالی که با دادن قربانیان بسیاری راه افتاده، کارناوالی که هنوز از طرف کلیسای کاتولیک محکوم است، کارناوالی که در بلژیک (و احتمالاً اکثر کشورهای اروپایی) با مبارزه برای سقط جنین و حق مالکیت بر بدن، در دهه های قبل هم رزم است، و ... امروز و در سیستمی که آلترناتیوی برای جامعه ندارد تبدیل به سوژه دیگری شده است. کارناوالی که ما در آن بودیم، سرتاسر سکسیسم بود و زیباترین روابط انسان ها را کالایی کرده بود. این کارناوال در دهه های قبل با مبارزات خیابانی و راه پیمایی های تاریخی و با نگاه به آینده راه افتاده بود. راه پیمایی هایی که با خشونت همراه بود و کلیسای قدرتمند کاتولیک (و سایر نهادهای مذهبی) تمام هم جنس گرایان و ... را محکوم به مرگ می کرد. هنوز هم هستند افرادی که وسط خیابان ها توسط نیروهای صلیب به دست آزار و آسیب دیده اند.

براستی که سئوالات زیادی بدون پاسخ مانده اند. مانند سایر جنبش های مترقی دنیا در دهه های گذشته که میراث انقلابی آن ها حذف شده و هر لحظه توسط بنگاه های رسانه ای سرمایه داری به عنوان پدیده دیگری معرفی می شوند، در این جنبش خاص نیز عقب مانده ترین شکل رابطه میان انسان ها در بسته بندی های کالایی به جامعه عرضه می شود. وقتی جنبشی نوین و مهم از مفهوم خود تهی شود و به کارناوال شادی و سکسیسم بدل شود، چگونه باید به مبارزه برای رهایی اندیشید؟ با نگاهی به جنبش های

مختلف؛ ضد جنگ، سقط جنین، هم جنس گرایان، محیط زیست، ضد انرژی هسته ای و ... می بینیم که چارچوبه مبارزاتی آن ها در چه دورانی مترقی و با نگاه به آینده بود و چارچوبه فعلی آن ها ناشی از چیست؟ باز اگر دقیق تر ببینیم روشن می شود که این سیستم قدرت و توان این را دارد که تمام روابط میان انسان ها را تبدیل به کالا کند. حتی زیباترین لحظه ها و رابطه ها را بدون انقلاب اجتماعی در تمام عرصه ها نمی توان مناسبات موجود را تغییر داد.

کمیتة جوانان بلژیک Youth Committee of Belgium

www.committeebe.blogspot.com

committe.2007@gmail.com





